

پیامدهای انقلاب از دیدگاه کارل پوپر

حمیدرضا جلالی پور*
مجید فولادیان**



چکیده

بسیاری قرن بیستم را قرن انقلاب‌ها می‌دانند؛ از این رو تلاش‌های نظری و تجربی گسترده‌ای در راستای شناخت چرایی پیدایی انقلاب‌ها صورت گرفته است. اما با وجود اهمیت فراوان پیامدهای ناشی از انقلاب‌ها، ادبیات مربوط به بحث پیامدهای انقلاب کم و در مراحل ابتدایی است و نیاز به کوشش‌های نظری و تجربی گسترده‌ای دارد. مقاله حاضر در پی تلاشی نظری برای صورت‌بندی

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی
(jalaeipour@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (m.fouladiyan@ut.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۱-۷

پیامدهای انقلاب از دیدگاه پوپر است. به نظر برخی اندیشمندان، پوپر یکی از متفکران تأثیرگذار قرن بیستم بوده است. نظریه او درباره مهندسی اجتماعی گام به گام یا همان اصلاحات در تقابل با مهندسی اجتماعی تمامیت‌گرا و انقلابی طرح شده است. اما در آثارش نظریات او درباره پیامدهای انقلاب به وضوح مشخص نشده است. در این جستار کوشش می‌شود ابتدا نظریات گوناگون درباره پیامدهای سیاسی طرح شود و سپس نظریه پوپر صورت‌بندی گردد.

پوپر از جمله فیلسوفانی بود که با هرگونه دگرگونی بنیادین و سریع اجتماعی مخالفت می‌کرد. از نظر او هیچ اندیشه انقلابی نمی‌تواند جامعه را به خیر و سعادت عمومی رهنمون شود و در پس اندیشه‌ها و اقدامات انقلابی افکاری ایده‌آلیستی قرار گرفته است که سرابی بیش نیست. او نشان می‌دهد که چگونه انسان‌هایی حتی نیک‌سیرت تنها به این دلیل که قصد ایجاد جامعه‌ای آرمانی را داشته‌اند به شخصیت‌هایی دیکتاتورمآب و اقتدارگرا تبدیل شده‌اند. به‌طور کلی پوپر نیز مانند تعداد قابل توجهی از نظریه‌پردازان انقلاب، پیامدهای سیاسی انقلاب‌ها را منفی ارزیابی می‌کند و نتیجه انقلاب‌ها را، برخلاف جامعه مطلوبی که ایدئولوژی انقلاب‌ها به تصویر می‌کشند، ظهور حکومت‌های اقتدارگرا و همچنین از میان رفتن آزادی بیان می‌داند.

واژگان کلیدی: پیامدهای انقلاب، مهندسی اجتماعی تمامیت‌گرا، مهندسی اجتماعی تدریجی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی جنگ و انقلاب را به‌عنوان بنیادی‌ترین دگرگونی‌های اجتماعی می‌شناسند (روشه، ۱۳۶۶؛ مارکس، ۱۳۷۵؛ جانسون، ۱۳۶۳) و با تأکید بر اهمیت این پدیده‌ها در دنیای جدید، قرن بیستم را قرن انقلاب‌ها می‌دانند (آرنت، ۱۳۸۱؛ فوران، ۱۳۸۲). در این باره تلاش‌های نظری زیادی در تبیین چرایی وقوع انقلاب‌ها صورت گرفته است و طی یک قرن اخیر نظریه‌های انقلاب سه نسل را تجربه کرده‌اند و اکنون شاهد تکوین نسل چهارمی از نظریه‌های انقلاب هستیم^(۱). اما علی‌رغم این مطالعات در بررسی علل و فرایند وقوع انقلاب‌ها، هنوز حتی نسل اول نظریات مربوط به بررسی پیامدهای انقلاب شکل نگرفته است (Jalaeipour, 2006: 207-215؛ گلدستون، ۱۳۸۵؛ بشیریه، ۱۳۸۲). با وجود اهمیت مطالعه پیامدها و نتایج انقلاب، این موضوع از پرمنافشه‌ترین مباحث مربوط به انقلاب است و این مباحث چه از نظر توصیفی و چه تبیینی در مراحل ابتدایی خود است (پناهی، ۱۳۸۹: ۴۲۳).

لذا برای غنا بخشیدن به ادبیات پیامدهای انقلاب نیاز به تلاش‌های نظری و تجربی بسیاری است. در مقاله حاضر سعی می‌شود تا با تعیین رویکردهای مختلف در مطالعات پیامدهای انقلاب تلاشی نظری براساس فلسفه اجتماعی کارل پوپر برای بررسی پیامدهای انقلاب صورت گیرد و جایگاه اندیشه او را در مطالعات مربوط به پیامدهای انقلاب مشخص کنیم. روش بررسی در این تحقیق مطالعه اسنادی است. نگارندگان این جستار امیدوارند این مطالعه محققان را تشویق کند که به سراغ متفکران تأثیرگذاری بروند که در تبیین پیامد انقلاب رویکرد مثبتی دارند تا از این طریق به غنای مباحث مربوط به پیامدهای انقلاب افزوده شود.

رویکردهای متفاوت به پیامدهای انقلاب

به یک تعبیر دو دسته نظریات در بررسی پیامدهای انقلاب وجود دارد. دسته اول مطالعات پیشینی و دسته دوم مطالعات پسینی هستند. در مطالعات پیشینی اغلب کارهای فیلسوفان و نظریه‌پردازانی قرار می‌گیرد که به صورت نظری و نه با اتکای روشمند به داده‌های تجربی به بررسی پیامدهای انقلاب می‌پردازند. در این دسته مطالعات اگر در جایی به شاهدی تجربی اشاره شود، بیشتر جنبه تأیید برای بحث نظری دارد. البته ویژگی این نظریات تبیینی بودن آنهاست. مهم‌ترین چهره‌ها در این دسته از نظریات کارل مارکس و هانا آرنت هستند. دسته دوم مطالعات پسینی انقلاب‌ها هستند که به بررسی نتایج انقلاب‌های روی داده در نقاط مختلف جهان (اکثراً با روش‌های تطبیقی) می‌پردازند و سعی می‌کنند با یافتن یکسانی‌های اتفاق افتاده پس از انقلاب‌ها مدلی نظری برای بررسی پیامدهای انقلاب ارائه کنند. نظریات پسینی را می‌توان به دو دسته توصیفی و تبیینی طبقه‌بندی کرد. بسیاری از نظریات پسینی تنها جنبه توصیفی دارند و در دهه‌های اخیر است که رویکرد تبیینی نیز به بحث‌های پسینی پیامدهای انقلاب وارد شده است.

در تعبیری دیگر می‌توان پیامدهای انقلاب را در هر دو دسته از نظریات (پیشینی و پسینی) به چهار نوع پیامد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد. تقریباً هر گروه از نظریه‌پردازان بر یکی از این حیطه‌ها بیشتر تأکید دارند. البته برخی از آنها به تمام این عرصه‌ها و یا چند مورد از آنها پرداخته‌اند. شاید به سختی بتوان برخی از نظریات را در غالب یکی از چهار نوع پیامدهای انقلاب قرار داد. زیرا اکثراً نظریه‌پردازان خود را در قالب این تقسیم‌بندی تعریف نمی‌کنند، اما به صورت تقریبی می‌توان چنین گفت که نظریه‌پردازانی مانند آرنت، (۱۳۸۱؛ توکویل ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸؛ فوران و گودوین، ۱۹۹۳؛ لاکوئر، ۱۹۶۸؛ و والت، ۱۹۹۲؛ بر پیامدهای سیاسی متمرکز شده‌اند. در حیطه پیامدهای اجتماعی انقلاب می‌توان از مارکس ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵؛ برک، ۱۳۷۷؛ کلی و کلن، ۱۹۷۷؛ و مقدم، ۱۹۹۷ نام برد. نتایج اقتصادی انقلاب‌ها برای کسانی از جمله مور، ۱۳۶۹؛ کیرچه‌ایمر، ۱۹۶۵ و اکشتاین، ۱۹۸۲ مهم بوده است و نظریه‌پردازانی از جمله ارجمند، ۱۹۸۹؛ فیشر، ۱۹۸۰ و امیربایر و گودوین، ۱۹۹۵ بر پیامدهای فرهنگی انقلاب تأکید کرده‌اند. اما می‌توان به نظریه‌پردازان شاخصی چون هانتینگتون، ۱۳۷۰؛ زیمرمن،

۱۹۹۰؛ کدی، ۱۳۸۸ و رایت، ۱۳۸۴ اشاره کرد که به چند بعد از پیامدهای چهارگانه انقلاب می‌پردازند^(۳).

از آنجاکه نظریات پوپر از جمله نظریاتی است که بر پیامدهای سیاسی تأکید می‌کند، از این رو سعی می‌شود در این مقاله ابتدا به مروری بر نظریات مطرح با این دسته از پیامدها بپردازیم و سپس نظریه پوپر را درباره پیامدهای انقلاب طرح می‌کنیم.

پیامدهای سیاسی

شاید مهم‌ترین پیامد هر انقلابی پیامد سیاسی آن باشد. پیامدهای سیاسی انقلاب اهمیت مضاعفی چه برای انقلابیون و چه برای مردمان سایر کشورهای تحت تأثیر انقلاب دارد (هانتینگتون، ۱۳۸۱). زیرا هر انقلابی اساساً علیه یک دیکتاتوری جبار برپا می‌شود و مهم‌ترین هدف بسیاری از انقلاب‌ها سقوط دیکتاتوری حاکم بوده است، دیکتاتوری که با استفاده از قدرت مطلقه خود آزادی‌های مدنی را در جامعه و در عرصه عمومی از میان برده است، مشارکت‌های سیاسی را محدود کرده، و بی‌اعتمادی سیاسی را افزایش داده است. بنابراین اگر انقلاب منجر به ظهور نظامی اقتدارگرا شود، عملاً با توجه به رونق گرفتن فرهنگ سیاسی دموکراتیک، آن انقلاب نفوذ خود را در جامعه متبوع و سایر جوامع از دست می‌دهد. در مقابل اگر انقلاب بتواند به جای دیکتاتوری سابق یک حکمرانی مردم‌سالار ایجاد کند، آن انقلاب نفوذ خود را در جامعه (و دیگر جوامع اسیر نظام‌های اقتدارگرا) تثبیت کرده است.

مرور نظریات پیامدهای سیاسی انقلاب

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که به صورت پیشینی^(۳) به پیامدهای انقلاب پرداخته است هانا آرننت است. وی بر این عقیده است که تمام انقلاب‌ها با شعار آزادی مثبت شروع می‌شوند و به دنبال ایجاد فضای آزاد سیاسی در عرصه عمومی جامعه هستند، اما پس از انقلاب به دلیل اینکه توده‌ها بر نخبگان انقلابی حاکم برای مطالبات اقتصادی و آزادی‌های منفی خود، برای تأمین معاش و رهایی از فقر و نابرابری فشار می‌آورند، در نتیجه انقلاب‌ها ناخواسته از مسیر خود خارج شده و تبدیل به حکومت‌های جدید اقتدارگرا می‌شوند. بدین نحو آزادی مثبت که در ابتدا

انقلابیون شعار آن را می‌دادند در پای کسب آزادی‌های منفی می‌شود (آرنت، ۱۳۸۱).

از متفکران تأثیرگذار دیگر که بحث او را می‌توان در حیطه پیامدهای سیاسی انقلاب مطرح کرد، آلکسی دو توکویل است (آرون، ۱۳۷۰: ۲۶۳). او در دو اثر کلاسیک خود یعنی «تحلیل دموکراسی در امریکا» و «انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن» که آثاری مکمل یکدیگر شناخته می‌شوند به بررسی و مقایسه این دو انقلاب پرداخته است. او نشان می‌دهد که چند عامل از جمله: تاریخ، قانون و فرهنگ جامعه در نوع پیامد انقلاب تأثیرگذارند (آرون، ۱۳۷۰: ۲۴۶) و از این نظر بحثی تبیینی را درباره پیامدهای انقلاب طرح می‌کند^(۴). او دو نوع انقلاب و در نتیجه دو نوع پیامد را تشخیص می‌دهد. پیامد انقلاب فرانسه را به دلیل عدم شکل‌گیری قوانین برابری طلبانه، تضاد کلیسای کاتولیک با ایده‌های آزادی و برابری و همچنین فرهنگ تاریخی و استبدادی جامعه، یک استبداد توده‌ای و تمرکزگرایی فزاینده می‌داند (دوتوکویل، ۱۳۸۳). و از سوی دیگر پیامد انقلاب امریکا را در جامعه‌ای با ویژگی‌های قوانین شهروندی، آداب و سنن مبتنی بر مدارا و همراهی کلیسای پروتستان با آرمان‌های آزادی و برابری، ایجاد نهادهای آزاد و تقلیل قدرت مطلقه می‌داند (دوتوکویل، ۱۳۸۳).

والتر لاکوئر از جمله کسانی است که انقلاب‌ها را موتور تاریخ برشمرده است. به نظر او انقلاب‌ها نتایج گوناگونی دربر دارند که برخی از آنها می‌تواند مثبت و برخی منفی و غیرضروری باشد. در بعد نتایج سیاسی انقلاب‌ها او معتقد است انقلاب‌هایی که می‌کوشند دگرگونی‌های کلی و همه‌جانبه‌ای در جامعه ایجاد کنند، مدعی آن هستند که به سود اکثریت مردم عمل می‌کنند، اما چون اکثریت مردم اغلب منافع خود را در نمی‌یابند، در نتیجه یک اقلیت پیشرو به جای اکثریت به انتخاب و تصمیم‌گیری می‌پردازد. بنابراین پس از انقلاب احتمال روی کار آمدن دولتی که به صورت مداوم برای تحقق منافع عمومی از ابزار سرکوب و فشار استفاده کند بسیار زیاد است (Laqueur, 1968: 502).

اما شاخص‌ترین چهره در حیطه نظریات پیامدهای انقلاب از دیدگاه پسینی یعنی کریین بریتون نیز تأکیدش بر پیامدهای سیاسی انقلاب‌ها بوده است. او با مطالعه چهار

انقلاب فرانسه، روسیه، انگلیس و امریکا نظریه‌ای مبنی بر اینکه این انقلاب‌ها مراحل کم‌وبیش همانندی را پشت سر گذاشته‌اند، ارائه داد. او نشان داد پس از مرحله وقوع انقلاب سه مرحله دیگر در روند انقلاب قابل تشخیص است. در نخستین مرحله میانه‌روها که از طبقات بالا و فرهیخته اجتماعی هستند، قدرت را به دست می‌گیرند. آنها طبیعی‌ترین وارثان انقلاب هستند. اما وجود حاکمیت دوگانه^(۵) همچنین کم‌تجربگی و عدم تمایل آنان به سرکوب مخالفان باعث می‌شود نظم و ثبات برقرار نشود و حمایت مردم از آنها کاهش یابد و در این شرایط فرصت مناسب برای نخبگان انقلابی رادیکال فراهم می‌شود تا با جلب حمایت مردمی دست به کودتایی علیه میانه‌روها بزنند. بدین وسیله رادیکال‌ها که گروهی اقلیت اما منسجم هستند به قدرت می‌رسند. آنها که قصد تحقق آرمان‌های انقلابی خود را به هر قیمت دارند، بر تفرقه‌های داخلی پیروز می‌شوند. بدین سان دوره وحشت، که در آن قصد تحقق وعده‌های انقلاب در کوتاه‌ترین زمان داده می‌شود، ایجاد می‌شود. با این همه اخلاقیات انقلابی و تندروانه آنها در جامعه گسترش نمی‌یابد و اکثر مردم در برابر آن مقاومت می‌کنند. سومین مرحله که بریتون آن را مرحله ترمیدور نامیده است، با شکست حرکت‌های رادیکال و تندروی‌ها آغاز می‌شود. در این مرحله فضا از حالت انقلابی و وحشت به تدریج خارج می‌شود و تا حدودی به حالت عادی باز می‌گردد. در این مرحله عمل‌گرایان به قدرت می‌رسند و تلاش می‌کنند تا وضعیت بحران‌زده جامعه را ترمیم کنند (بریتون، ۱۳۶۲). هر چند بریتون بر این نظر بود که نمی‌بایست نظر او را به سایر انقلاب‌ها تعمیم داد، اما بسیاری کوشیده‌اند نظر او را به سایر انقلاب‌ها نیز تعمیم دهند. یکی از نقدهای وارد بر نظر بریتون توصیفی بودن آن است (پناهی، ۱۳۸۹: ۴۴۷). هر چند اثر او هنوز نیز جزء پرخواننده‌ترین آثار درباره انقلاب‌ها است.

هانتینگتون انقلاب‌ها را به انقلاب‌های کبیر و انقلاب‌های قرن بیستم تقسیم می‌کند. دیدگاه او درباره پیامدهای انقلاب‌های کبیر شبیه بریتون است. اما معتقد است انقلاب‌های قرن بیستم توانسته‌اند بیگانگی سیاسی را در جامعه کاهش داده و مشارکت سیاسی را افزایش دهند و با ایجاد یک نظام حزبی بر پایه نیروهای اجتماعی، توسعه سیاسی را ایجاد کنند (پناهی، ۱۳۸۹: ۴۵۷-۴۵۶). دیدگاه‌های هانتینگتون نیز تنها توصیفی از نتایج انقلاب به دست می‌دهد. به طور مشخص‌تر فوران و گودوین در مقاله‌ای به

بررسی تطبیقی دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه پرداخته‌اند و درصدد پاسخ به این پرسش هستند که چه عاملی باعث شد تا پس از انقلاب در نیکاراگوئه رژیم دموکراتیک و در ایران حکومتی غیردموکراتیک روی کار آید؟ آنها نشان می‌دهند که سه عامل منازعه‌خشن بر سر قدرت پس از وقوع انقلاب، جهت‌گیری نظام بین‌الملل به‌ویژه امریکا و همچنین ایدئولوژی رهبران انقلاب تأثیر بسزایی بر نوع ساخت سیاسی پس از انقلاب‌ها دارد (Foran and Goodwin, 1993: 49-207). این نظریه در زمره رویکردهای تبیینی پیامدهای انقلاب قرار دارد.

اسکاچپول نظریه‌پرداز مشهور ساختارگرا بر این عقیده است که مهم‌ترین پیامد انقلاب، افزایش نقش توده‌ها و همچنین بسیج توده‌ای گسترده در جامعه است که این امر ناشی از دولت‌سازی پس از انقلاب است. زیرا بر این نظر است که معمولاً پس از انقلاب‌ها دولت‌های بزرگ و متمرکز برای محقق ساختن اهداف انقلاب سر کار می‌آیند و به همین دلیل قدرت بسیج توده‌ای دارند اسکاچپول، ۱۳۷۶. زیمرمن نیز در مطالعه‌ای وسیع با مقایسه شانزده انقلاب از قرن هفدهم نشان می‌دهد که انقلاب‌ها بر حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تأثیر می‌گذارند اما تغییرات سیاسی آنها گسترده‌تر از سایر پیامدها است و شامل تغییر زیادی در ترکیب نخبگان سیاسی، افزایش تعارض سیاسی بین نخبگان، و عدم افزایش قابل توجه آزادی‌های سیاسی به‌جز در چند مورد است (پناهی، ۱۳۸۹: ۴۸۳). به‌طورکلی از نگاه زیمرمن همه انقلاب‌ها قدرت دولت‌ها را افزایش داده‌اند.

والث نیز کوشیده است به بررسی این پرسش بپردازد که چرا بسیاری از انقلابیون پس از کسب قدرت درگیر جنگ‌های خارجی می‌شوند؟ او در این پژوهش توصیفی و تبیینی، استدلال می‌کند که انقلاب‌ها از سطحی از ابهام برخوردارند و همچنین تهدیدی برای همسایگان تصور می‌شوند و از آنجا که همسایگان گمان می‌کنند که رژیم‌های تازه‌تأسیس انقلابی در موقعیت متزلزلی قرار دارند و دیگر مناسبات و توازن قدرت پیشین نیز از میان رفته است، زمینه بروز جنگ‌های بین‌المللی فراهم می‌شود (Walt, 1992).

جدول شماره (۱). پیامدهای سیاسی انقلاب از دیدگاه متفکران مختلف

نظریه پردازان	نوع نظریه	نوع تحلیل	پیامد ایجاد شده	علل موجه پیامد
هانا آرنت	پیشینی	تبیینی	حکومت‌هایی تمامیت‌خواه	پیگیری آزادی‌های منفی و خارج شدن انقلاب از مسیر پیگیری آزادی‌های مثبت
آلکسی دو توکویل	پسینی	تبیینی	۱. استبداد توده‌ای و تمرکزگرایی فزاینده ۲. ایجاد نهادهای آزاد و تقلیل قدرت مطلقه	تاریخ، قانون و فرهنگ و سنن جامعه
والتر لاکوئر	پسینی	توصیفی	دولت سرکوب‌گر	-
کرین برینتون	پسینی	توصیفی	حکومت متمرکز در کوتاه‌مدت همراه با خشونت و سرکوب	-
ساموئل هانتینگتون	پسینی	توصیفی	انقلاب‌های کبیر: حکومت متمرکز در کوتاه‌مدت همراه با خشونت و سرکوب انقلاب‌های قرن بیستم: ایجاد یک نظام حزبی برپایه نیروهای اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی	-
فوران و گودوین	پسینی	تبیینی	۱. رژیم دموکراتیک ۲. حکومتی اقتدارگرا	رقابت بر سر قدرت پس از وقوع انقلاب، جهت‌گیری نظام بین‌الملل، ایدئولوژی رهبران انقلاب
تدا اسکاچپول	پسینی	تبیینی	افزایش نقش توده‌ها	دولت‌های اقتدارگرا و متمرکز
زیمرن	پسینی	تبیینی	عدم افزایش قابل توجه آزادی‌های سیاسی و افزایش قدرت دولت‌ها	سیاست‌های دولت انقلابی، نهادهای اقتصادی، تضادهای سیاسی، محدودیت‌های بین‌المللی
استفن والت	پسینی	تبیینی	درگیری در یک جنگ خارجی	ابهام در انقلاب، تصور تهدید از جانب همسایگان، تصور تزلزل حکومت انقلابی، از میان رفتن مناسبات و توازن قدرت پیشین

در ارزیابی کلی از پیامدهای انقلاب مشاهده می‌شود که اکثر نظریات پیامدهای انقلاب، پسینی هستند و با توجه به انقلاب‌هایی که در یکی دو قرن اخیر روی داده‌اند، صورت‌بندی شده‌اند. هرچه به نظریات جدیدتر در این حوزه نزدیک می‌شویم، نظریات بیشتر شکل تبیینی می‌یابند. درباره نوع پیامدهای سیاسی ایجاد شده پس از انقلاب‌ها نیز دو رویکرد متفاوت مشاهده می‌شود. رویکرد اول نگاهی بدبینانه به پیامدهای انقلاب دارد و انقلاب‌ها را موجد حکومت‌های متمرکز و اقتدارگرا می‌داند که با خشونت و سرکوب علیه آزادی بیان همراه است. اکثر نظریه پردازان پیامدهای سیاسی انقلاب در این دسته قرار می‌گیرند. رویکرد دوم

نگاهی خوش‌بینانه به پیامدهای انقلاب دارد. این دسته از نظریات در کنار امکان ایجاد حکومت‌های اقتدارگرا پس از انقلاب‌ها بر این باورند که ممکن است انقلاب به ایجاد نظامی حزبی، مشارکت سیاسی و رژیم دموکراتیک منجر شود که البته تحقق هرکدام از این دو نوع پیامد به علل و فرایند حوادث پس از انقلاب بستگی دارد. اینک به بررسی نظریات پوپر درباره پیامدهای انقلاب می‌پردازیم و سعی می‌کنیم جایگاه اندیشه او را در میان نظریات پیامدهای انقلاب نشان دهیم.

پیامدهای انقلاب از دیدگاه پوپر

کارل پوپر جزء تأثیرگذارترین فیلسوفان قرن بیستم بر تحولات فکری و سیاسی جهان است (پایا، ۱۳۸۴: ۷؛ مگی، ۱۳۵۹؛ فولادیان و فاطمی، ۱۳۸۶: ۱۰). از او به‌عنوان فیلسوف اصلاح‌طلب یاد می‌شود و تئوری وی براساس فلسفه علمش که خود در مقابل آراء فیلسوفانی چون مارکس که از تحولات تاریخی و سریع چون انقلاب حمایت می‌کنند، صورت‌بندی می‌شود. بنابراین نظریات سیاسی او را باید در متن نظریه وی در باب ماهیت شناخت و رشد دانش مورد بررسی قرار داد (لسناف، ۱۳۷۸: ۲۸۰؛ بشیریه، ۱۳۷۹: ۶۰) و (Wettersten, 2005: 119-133; Regt, 2006: 21-39; Mardiros, 1975: 157-171). پوپر هیچ کتاب و یا مقاله مدونی درباره انقلاب و پیامدهای آن به‌صورت مجزا ندارد، اما نظریات اصلاح‌طلبانه‌اش در مقابل نظریات انقلابی تأثیری شگرف بر اندیشه سیاسی قرن بیستم گذارده است شی یرمر، ۱۳۷۸؛ بشیریه، ۱۳۷۹: ۶۰). درحالی‌که اکثر پیش‌بینی‌های مارکس درباره وقوع انقلاب‌ها و نتایج آنها ناکام بود در پوپر، ۱۳۸۲؛ دونایفسکایا، ۱۳۸۳). پوپر کامیابی‌های زیادی در پیش‌بینی ناکامی‌های حکومت‌های توتالیتار و به‌ویژه رژیم‌های فاشیستی و سوسیالیستی داشته است^(۶) (یاروی، ۱۳۸۲).

از آنجاکه پوپر نظریات خود را درباره پیامدهای انقلاب به‌صورت منسجم مطرح نکرده است، در این مقاله می‌کوشیم دیدگاه وی را در این باره از خلال آثارش و در مقایسه با سایر نظریات پیامدهای انقلاب مطرح کنیم. از دیدگاه او احتمال وقوع انقلاب در دو نوع جامعه وجود دارد. ابتدا جامعه‌ای سنتی که به دلایلی بنیان سنت‌هایش تضعیف و در نتیجه دچار آنومی و آشفتگی شده باشد، اعضای ذره‌گون

چنین جامعه‌ای مستعد این می‌شوند که به دنبال مدینه‌ای فاضله در آینده می‌گردند (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۲۷). از سوی دیگر جامعه‌بازی که آزادی و در پی آن مسئولیت زیادی به اعضایش داده است؛ در چنین جامعه‌ای اعضایش نیز ممکن است تحمل این حجم مسئولیت را نداشته باشند لذا، رو به مسئولیت‌گریزی، واپس‌گرایی، آرمان‌گرایی بیاورند و دل به پیوستن به دامان امن سنت‌های ایده‌آلیزه گذشته بدهند. که این هر دو از یک ریشه‌اند و برای رسیدن به اهدافشان راهی میان‌بر، جز انقلاب نمی‌بینند (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۲۷؛ پوپر، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۴).

بدین ترتیب ایدئولوژی‌های انقلابی دو موضوع را وعده می‌دهند: نخست بازگشت به سنت‌های گذشته دور که به‌طور ایده‌آلیزه طرح شده‌اند؛ دوم ایجاد مدینه‌ای فاضله که در آن همه چیز به‌صورت عالی و تمام صورت‌بندی شده است^(۷) (پوپر، ۱۳۶۹: ۱۳۷). از نظر پوپر ایدئولوژی‌های یوتوپیایی و انقلابی که در پی تأسیس جهانی بدیع و بی‌سابقه‌اند، خیالی‌اند، زیرا با نگاهی منطقی متوجه می‌شویم که امر نو و بی‌سابقه رؤیایی بیش نیست و به‌کلی ناممکن است، هر آینده‌ای ریشه در حال و گذشته دارد. ساختن مدینه فاضله بی‌سابقه غیرممکن است، تنها کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که بر روی وضع موجود کار کنیم و تغییراتی در آن به‌وجود آوریم. کسانی که با نوع اندیشه پوپر آشنا باشند، سرعت مشابهِت‌های این جمله را با اصل و معیار معرفت‌شناختی او یعنی «ابطال‌پذیری»^۱ درخواهند یافت.

همان‌گونه که پوپر در ارتباط با اصل ابطال‌پذیری ادعا می‌کند، می‌توان به‌راحتی نشان داد که: «اگر گزاره‌ای مشاهده‌ای بارها و بارها صادق باشد، باز هم نمی‌توانیم از مشاهده مکرر آنها به‌وسیله استنتاجات منطقی به قوانین و نظریه جهان‌شمول برسیم... اما می‌توان با به‌کارگیری استنتاجات منطقی به کذب قوانین و نظریه‌های کلی رسید. به‌عنوان نمونه، اگر گزاره «کلاغی که در مکان (م) و زمان (ز) مشاهده شد، سیاه نبود» را در اختیار داشته باشیم، به‌طور منطقی از آن نتیجه می‌شود که: همه کلاغ‌ها سیاه نیستند... کذب گزاره‌های کلی را می‌توان از گزاره‌های جزئی مناسب

استنتاج کرد. درحالی که برعکس آن ممکن نیست. پوپر از این نکته منطقی در تمام آثارش کمال استفاده را برده است» (چالمرز، ۱۳۸۳: ۲۶).

حال با داشتن این پیش فرض از فلسفه علم پوپر به اندیشه‌های سیاسی پوپر درباره نتایج انقلاب بازمی گردیم. پوپر براساس این مبنا می گوید: مشخص کردن و معین کردن اینکه چه چیز مردم را خوشبخت می کند و باعث لذت و شادی آنها می شود، نه تنها ممکن نیست بلکه هرگونه کوششی برای طراحی جامعه‌ای که در آن شادی و لذت و خوشبختی بیشینه باشد ما را در خطر افتادن در ورطه اتویپایسیم قرار می دهد (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۲۷). در جای دیگر پوپر از «کانت»^۱ نقل می کند: «هیچ کس نمی تواند مرا مجبور سازد که بر طبق تلقی از رفاه و سعادت دیگران، سعادتمند باشم، زیرا هرکس سعادت خود را به نحوی که می پسندد دنبال می کند... حکومتی که احیاناً بر مبنای اصل خیرخواهی نسبت به مردم تأسیس می شود... حکومت پدرسالار... حادثترین نوع استبداد است که بتوان در نظر آورد» (پوپر، ۱۳۷۷: ۱۲۴). از این نظر پوپر مشخص کردن هرگونه خیر و خوشی برای آحاد مردم را اشتباهی بزرگ می داند که منجر به به وجود آمدن حکومت‌های استبدادی می شود و نیز آنکه بر سر این خیر و خوشی‌ها توافق همگانی وجود ندارد. وی در این باره در کتاب «جامعه باز و دشمنانش» چنین می گوید: «در بین همه آرمان‌های سیاسی، آرمان شاد و سعادتمند ساختن مردم احتمالاً خطرناک‌ترین آرمان‌هاست. چنین آرمانی به کوشش برای تحمیل ارزش‌های والاتر ما بر دیگران می انجامد. چنین آرمانی به آرمان‌گرایی و گرایش‌های رمانتیک منجر می شود. ما اطمینان داریم که همگان در جامعه کامل و زیبا و خیالی ما خوش بخت خواهند بود و بی شک اگر ما یکدیگر را دوست بداریم بهشت بر روی زمین برقرار خواهد شد... اما کوشش برای برقراری بهشت بر روی زمین در عوض، دوزخ به پا می کند، به عدم مدارا می انجامد و به تأمین رستگاری از طریق برقراری دستگاه تفتیش عقاید منجر می شود» (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۴۵).

از مقدمات مذکور می توان نتیجه گرفت که مشخص کردن خیر و خوشی و

1. I. Kant

لذت برای مردمان در یک جامعه بس دشوار و ناشدنی است، زیرا اکثراً خیرها و خوشی‌های افراد با یکدیگر همسو نیستند و گاه حتی متناقضند. اما به قول پوپر: «مشخص و معین کردن مسائل و مشکلات اجتماعی و توافق بر سر آنها بسیار ساده‌تر است... درد و رنج، بی‌عدالتی و پیشگیری از آنها... مسائل ابدی، اطلاقی و عمومی هستند... هرچه باشد، مسائل و مشکلات، پدیده‌هایی هستند که ما تجربه کرده‌ایم و اکثراً بر سر آنها تفاهم داریم» (فولادیان و فاطمی امین، ۱۳۸۸: ۲۳). به عبارت دیگر این ایدئولوژی‌ها دچار تناقض هستند، زیرا می‌خواهند قبل از آنکه چیزی را در جزئیات تغییر دهند، کل نظام را دگرگون کنند. به علاوه انقلابیون و طرفداران مدینه فاضله مدعی اشراف و علم کامل به جامعه‌اند که این خود ممکن و متصور نیست (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۲۶-۳۱۲؛ پوپر، ۱۳۷۶: ۱۳۵). پوپر این مسئله را در فقر تاریخی‌گری این‌گونه بیان می‌کند: «[انقلابیون] از این امر غافلند که تمرکز قدرت آسان است، ولی متمرکز کردن تمام علم و معرفتی که میان افراد متعدد تقسیم شده، (و استفاده حکیمانه از آن برای قدرت ضرورت دارد)، غیرممکن است» (پوپر، ۱۳۵۰: ۱۱۱).

به تناقض و تعارض دیگری نیز باید اشاره کرد و آن اینکه انقلابیون و خیالات آنان متأثر از جامعه و وضع موجودند و با آنچه جزئی از وضع موجود است نمی‌توان وضع موجود را از بین برد (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۶۹). ایجاد جامعه کاملاً نو و بی‌سابقه مستلزم تخریب وضع موجود است، اما ویران کردن وضع حاکم به معنی ناممکن شدن هر عملی است. بنابراین جز اقدامات و حرکت‌های گام‌به‌گام و تدریجی راه دیگری متصور نیست. انقلابیون به تغییرات جزئی رضایت نمی‌دهند، و خواستار دگرگونی کل ساختارهای جامعه‌اند. روش انقلابی به امور جزئی و قابل شناخت به دیده تحقیر می‌نگرد، و به علت دل‌مشغولی وسواسی و دائمی به کلیت، نمی‌تواند به امور واقعی و ملموس نزدیک شود و چون مبتنی بر مدلی انتزاعی و کلی و بدون اتکا به تجربه است، تماسش با واقعیت قطع می‌شود و می‌کوشد واقعیت اجتماعی را به هر نحو ممکن با آن مدل انتزاعی منطبق سازد. ولی این کوشش به فدا کردن همه چیز می‌انجامد؛ از عقلانیت گرفته تا آزادی و گاهی حتی شعور متعارف (یوسا، ۱۳۸۲).

در بیانی دیگر از دیدگاه پوپر تغییرات انقلابی و کلی و رادیکال در جوامعی که نهادهای لازم را برای نقد سیاست‌های حکومت ندارند بسیار دشوار و مضرند. از نظر او به جای کوشش در جهت ایجاد آرمان‌شهر، باید نارسایی‌های موجود را رفع کنیم. او دلایل جامعه‌شناسانه چندی برای رد انقلابات و نشان دادن نتایج آنها می‌آورد.

اول اینکه در این‌گونه جریان‌های انقلابی، چون بلافاصله اقداماتی گسترده و فراگیر صورت می‌گیرد، نمی‌توان به آسانی تعیین کرد که کدام یک از این اقدامات در دستیابی به نتیجه مؤثر بوده است، بنابراین چنین روشی تحصیل شناخت تجربی را درباره زندگی اجتماعی ناممکن می‌سازد. او می‌گوید: ایدئولوژی انقلابی بازسازی سراسر جامعه را توصیه می‌کند، یعنی تغییرات دامنه‌داری که به علت تجارب محدود ما، محاسبه پیامدهای عملی آن دشوار است. مهندسی ناکجاآبادی مدعی برنامه‌ریزی عقلانی برای تمام جامعه است حال اینکه شناخت واقعی مورد لزوم برای عملی کردن چنین ادعای بلندپروازانه‌ای در اختیار ما نیست (یوسا، ۱۳۸۲: ۳۶۱-۳۶۰). پوپر در کتاب «جامعه باز و دشمنانش» و همچنین «حدس‌ها و ابطال‌ها» به صورت مبسوط استدلال می‌کند که کنش‌های انسان دارای پیامدهای ناخواسته زیادی است و حتی نهادها و سنت‌هایی که در نتیجه اعمال آگاهانه و عمدی بشر پدید آمده‌اند محصول فرعی و غیرمستقیم و غالباً ناخواسته چنین اعمالی هستند، و این پیامدهای ناخواسته هنگامی که مهندسی‌های کلان اجتماعی صورت می‌گیرد بسیار گسترده و پیش‌بینی‌ناپذیرترند (یوسا، ۱۳۸۲: ۸۷۵؛ پوپر، ۱۳۷۵). بر این اساس به نظر پوپر، نگرش‌های یوتویپایی یا انقلابی مبتنی بر شبه علم یا تفکر غیرعقلانی‌اند. انقلابیون آنچه را اساساً تدریجی است بی‌محابا و ناشیانه به کار می‌گیرند (پوپر، ۱۳۵۰: ۱۱۱).

دوم اینکه به نظر پوپر برنامه‌ریزی‌های پس از انقلاب که اکثراً یوتویپایی هستند ناقص غرض‌اند، یا به عبارت بهتر نمی‌توانند مانع نقض از اغراضی مندرج در خود شوند. انقلابیون وقتی برای انجام برنامه‌های خود قدرت را در دست می‌گیرند، برای حفظ آن دست به اقدامات عاجل یا برنامه‌ریزی برنامه‌ریزی‌نشده می‌زنند، بدین‌سان هر انقلابی به ناچار اغراض خود را نقض می‌کند (پوپر، ۱۳۵۰: ۱۱۱). به نظر پوپر

حتی اگر بتوان جامعه را کاملاً براساس طرح و نقشه بازسازی کرد، باز بلافاصله از دست طراحان و ناظران می‌لغزد، و بر اثر تحولات اجتناب‌ناپذیر دگرگون می‌شود (پوپر و مارکوزه، ۱۳۸۰).

دلیل سوم اینکه توجه داشته باشیم که انقلاب همیشه چارچوب نهادی و سنتی جامعه را ویران می‌کند. بنابراین همان ارزش‌هایی که برای تحقق یافتن آنها انقلاب به‌راه افتاده را به‌خطر می‌اندازد (پوپر، ۱۳۵۰؛ پوپر، ۱۳۸۳). درحقیقت یک مجموعه ارزش‌ها تنها وقتی می‌تواند اهمیت اجتماعی داشته باشد که سنتی اجتماعی برای پاسداری از آنها وجود داشته باشد و این امر برای هدف‌های یک انقلاب همان‌قدر صحت دارد که برای ارزش‌های دیگر صحت دارد (پوپر، ۱۳۷۵: ۴۲۷). سنت‌ها این وظیفه مهم را دارند که نه تنها نظم‌ی یا چیزی شبیه به یک ساخت اجتماعی پدید آورند، بلکه چیزی به ما بدهند که بتوانیم بر روی آن عمل کنیم. چیزی که بتوانیم به نقادی آن پردازیم و آن را تغییر دهیم. بسیاری از انقلابیون در این اندیشه‌اند که، طرح و تابلو جهان اجتماعی را دگرگون کنند و جهانی نو بسازند (پوپر، ۱۳۸۴). عملی شدن این اندیشه محال و بی‌معنی است. اندیشه پاک کردن و زدودن تابلو امکان‌پذیر نیست، به این دلیل که اگر انقلابیون تابلو اجتماعی را پاک کنند و سنت را از میان ببرند، با آن همه اندیشه‌هایشان و نقشه کشیده‌شده برای آینده را نیز محو خواهند کرد. نقشه کشیده‌شده در جهان تهی و در خلأ اجتماعی هیچ معنایی ندارد. این نقشه‌ها جز در محیط و زمینه سنت‌ها و نهادها هیچ معنایی ندارند. زیرا تمام آنها از جهانی اجتماعی نتیجه می‌شود که در آن زندگی می‌کنند (پوپر، ۱۳۷۵: ۱۶۲-۱۶۱).

دلیل چهارم اینکه روش مهندسی اجتماعی تمامیت‌گرا، ایجاد دولتی آرمانی در جامعه را هدف اصلی خود قرار می‌دهد و همه کارها و فعالیت‌های سیاسی می‌بایست در خدمت این هدف باشد. این امر به احتمال زیاد سبب اعمال خشونت می‌شود (پوپر، ۱۳۷۷). زیرا چون نمی‌توان هدف‌های نهایی کنش‌های سیاسی را به‌صورت عملی یا از طریق روش‌های عقلی تعیین نمود، اختلاف درباره اینکه دولت آرمانی چگونه باید باشد، به‌وسیله بحث و استدلال امکان‌پذیر نمی‌شود. این اختلاف‌ها، ویژگی اختلاف‌های دینی را دارد و تسامح و گذشت نمی‌تواند در میان

این دین‌های اتوپیایی جایی داشته باشد. بنابراین مهندسان اجتماعی تمامیت‌گرا [انقلابیون] باید بر رقبای تمامیت‌گرای خود [گروه‌های انقلابی دیگر] که در هدف‌های آرمانی او شریک نیستند، پیروز شود و آنها را خرد کند. حتی باید کاری بیش از این انجام دهد. باید در برانداختن و فروکوفتن همه نگرش‌های الهادی رقیب تمام تلاش خود را به خرج دهد. زیرا راه رسیدن به هدف آرمانی بسیار دور است. بنابراین عقلانیت او حکم می‌کند که نه تنها دین‌های آرمانی رقیب را از میدان بیرون کند، بلکه تا آنجا که ممکن است هر خاطره‌ای از آنها را براندازد (پوپر، ۱۳۷۵: ۴۴۷-۴۴۶).

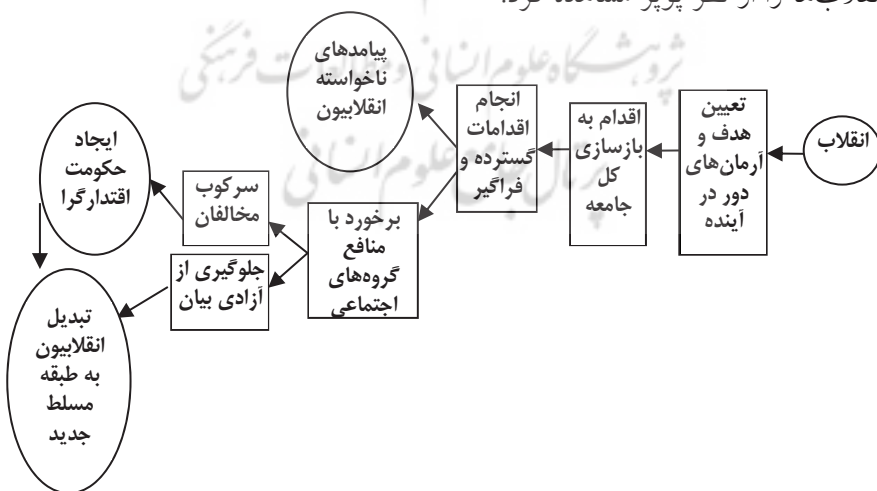
دلیل پنجم اینکه معمولاً کوشش برای بازسازی کلی جامعه با مخالفت‌های گسترده روبه‌رو می‌شود، زیرا با منافع گروه‌های اجتماعی مستقر برخورد می‌کند. در نتیجه انقلابیون خود را مجاز می‌دانند که مخالفان را سرکوب کنند، و یا به سکوت و اطاعت وادارند. از این‌رو حکومت ماهیتی اقتدارگرایانه می‌یابد، و مجبور می‌شود هرگونه انتقاد و مخالفتی را سرکوب کند. علاوه بر آن اینکه بعد از هر انقلابی جو سنگینی علیه آزادی اندیشه و بیان ایجاد می‌شود که با دوامی بیشتر از سرکوب‌های اولیه به حیات خود ادامه می‌دهد. او می‌گوید: بازسازی جامعه کار بزرگی است که لزوماً موجب ناراحتی بسیار برای عده زیادی به مدتی دراز خواهد شد؛ از این‌رو، مهندسی اجتماعی ناکجاآبادی باید بسیاری از شکایت‌ها را ناشنیده بیانگارد و در واقع باید گفت کارش ایجاب می‌کند که جلوی اعتراض‌های نامعقول را بگیرد. اما همین‌که به این کار دست زد، بدون استثنا باید جلو انتقادهای معقول را نیز بگیرد^(۸) (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۵۸).

حکومت‌های تمامیت‌خواه آزادی بیان و اندیشه را آخرین سنگری می‌دانند که حاضرند به آن عقب‌نشینی کنند، زیرا این دو نویددهنده عرصه عمومی زنده و اصلاحات و رفتن به سوی جامعه باز هستند (پوپر، ۱۳۸۳: ۲۴۸). در نتیجه چنین حکومتی وقتی نمی‌تواند حدود توفیق خود را در برنامه‌ریزی مورد نظر دریابد، تماس خود را با جامعه از دست می‌دهد (پوپر، ۱۳۵۰)؛ و بالاخره انقلابیون به طبقه اشرافی جدیدی بدل می‌شوند و ایدئولوژی انقلابی را برای استتار امتیازات خود به کار می‌برند: «در انقلاب خداوندگاران جدیدی جانشین خداوندگاران قدیمی

می‌شوند، و چه کسی تضمین می‌کند که این تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها بهتر از پیشینیان باشند؟ (پوپر، ۱۳۷۵: ۴۲۸).

از نظر پوپر نظریه انقلاب از مهم‌ترین سیمای زندگی اجتماعی غافل می‌ماند و آن اینکه چیزی که مورد نیاز ماست، بیش از آنکه مردمان خوب باشد، نهادهای خوب است. حتی بهترین مردمان ممکن است در نتیجه رسیدن به قدرت فاسد شوند، ولی نهادهایی که روا می‌دارند فرمانبران کنترل مؤثری بر فرمانروایان داشته باشند، حتی بدترین فرمانروایان را بر آن می‌دارد تا به کارهایی بپردازند که فرمانبران آنها را در جهت منافع خود تشخیص می‌دهند... به همین دلیل طرح‌ریزی نهادهایی که بتوانند مانع از آسیب رساندن فراوان فرمانروایان بد شوند، کمال اهمیت را دارد (پوپر، ۱۳۷۵: ۴۲۸).

بدین ترتیب می‌توان گفت پوپر نیز مانند اکثر نظریه‌پردازان انقلاب پیامدهای سیاسی انقلاب‌ها را مثبت ارزیابی نمی‌کند و نتیجه انقلاب‌ها را تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب‌ها که به تحول و تغییر نهادهای مختلف جامعه نظر دارد، ظهور حکومت‌های اقتدارگرا و همچنین از میان رفتن آزادی بیان می‌داند؛ از این رو بر اساس دسته‌بندی طرح‌شده در مطالعه نظریات پیامدهای انقلاب، نظریه پوپر در دسته نظریات پیشینی قرار می‌گیرد. ولی نظریه او را می‌توان به‌عنوان یک نظریه تبیینی پیشنهاد کرد و با مطالعه پیامدهای انقلاب‌های رخ داده، در مورد میزان کفایت تجربی سخن خود دست به داوری زد. در مدل زیر می‌توان روند تحولات پس از انقلاب‌ها را از نظر پوپر مشاهده کرد.



نتیجه‌گیری

انقلاب‌ها مهم‌ترین رخداد تأثیرگذار بر تحولات قرن بیستم بوده است. با این وجود در میان محققان و اندیشمندان تاکنون تنها بر چرایی به وجود آمدن انقلاب‌ها تأکید وجود داشته است و کمتر به بررسی پیامدهای انقلاب در حوزه‌های گوناگون پرداخته شده است. لذا با توجه به اهمیت بحث پیامدهای انقلاب و برای غنا بخشیدن به ادبیات این حوزه نیاز است تا در عرصه نظری و تجربی تلاش‌های بیشتری صورت پذیرد.

این جستار در پی تلاشی نظری بود تا پیامدهای انقلاب را از دیدگاه کارل پوپر، صورت‌بندی کند. بدین‌منظور همان‌گونه که مشاهده شد، ابتدا طبقه‌بندی‌های مختلف در بررسی پیامدهای انقلاب طرح شد و دو دسته‌بندی: الف) پیشینی/پسینی ب) توصیفی/تبیینی در چارچوب چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، معرفی گردید. از آنجاکه نظریه پوپر در حوزه نظریات پیامدهای سیاسی انقلاب است، بنابراین نظریات پیامدی در این حوزه مورد توجه قرار گرفت تا در نهایت بتوان جایگاه نظریه پوپر را در میان نظریات پیامدی انقلاب مشخص کرد.

او بر این عقیده بود که انقلابیون پس از پیروزی برحسب ایدئولوژی انقلابی خود (نه برحسب مطالعات کارشناسی منبعث از حوزه‌های مختلف علوم طبیعی و انسانی) دست به عمل می‌زنند. ایدئولوژی‌های انقلابی اکثراً نویددهنده بازگشت به سنت‌های گذشته و همچنین ایجاد مدینه فاضله هستند. اما از آنجاکه اولاً هر آینده‌ای ریشه در حال و گذشته دارد، ثانیاً علم کامل برای ساخت جامعه ایده‌آل در نزد فرد و گروه خاصی نیست، و به قول او علم نزد همگان است و تمرکز آن امکان‌پذیر نیست، ثالثاً انقلابیون درحالی‌که خودشان و خیالاتشان جزئی از وضع است، در پی از میان بردن وضع موجودند (و با آنچه جزئی از وضع موجود است نمی‌توان وضع موجود را از میان برد)؛ لذا ساختن مدینه فاضله بی‌سابقه غیرممکن است.

دیدیم که پوپر بر این عقیده است که انقلابیون برای تحقق وعده‌هایشان دست به اقدامات گسترده چه در جهت تخریب نهادهای گذشته و چه ساخت نهادهای جدید می‌زنند. اما از آنجاکه هر کنشی پیامدهای ناخواسته‌ای در پی دارد، بنابراین انقلابیون در مقابل حجم عظیمی از پیامدهای غیرمنتظره کنش‌های گسترده‌شان قرار

می‌گیرند. از مهم‌ترین این پیامدها ظهور مخالفت‌های گسترده مردم و گروه‌هایی است که منافعشان در پی تغییرات انقلابی به خطر افتاده است. از این‌رو حکومت مجبور به سرکوب مخالفان می‌شود و رفته‌رفته ماهیت اقتدارگرایانه می‌گیرد و به سمت سرکوب انواع آزادی‌ها به‌ویژه آزادی بیان و اندیشه می‌رود. درنهایت انقلابیونی که به نام ساختن جامعه جدید در عمل مخالفان خود را سرکوب کرده‌اند، به مدعیان و طبقه اشراف جدیدی بدل می‌شوند؛ یعنی همان طبقه صاحب امتیازی که روزی انقلاب برای مبارزه با آن به‌راه افتاده بود.

همان‌گونه که ملاحظه شد نظریه پوپر در دسته نظریات پیشینی و تبیینی قرار می‌گیرد. نظریه او از حیث پیش‌بینی پیامدهای انقلاب شباهت زیادی با نظریات آرنست، توکویل، لاکوئر، فوران، زیمرمن، و بریتون دارد. اما از حیث علل پیامدها تنها تا حدودی شبیه نظریات آرنست (از حیث فرایند اقتدارگرایی حکومت پس از انقلاب) و فوران (از لحاظ تأثیرگذاری ایدئولوژی انقلابیون بر نتایج انقلاب) است. با این تفاوت که به نظر می‌رسد پوپر شرایط علی را چه از لحاظ منطقی و چه به احتمال زیاد از حیث جامعه‌شناختی در ظهور پیامدهای انقلاب بهتر تبیین کرده است. همچنین پوپر در مخالفت با انقلاب راه‌حل جایگزین را پیش‌بینی می‌کند و با توجه به پیامدهای منفی که انقلاب‌ها از نظر او دارند، وی روش‌های اصلاحی و تدریجی را که توان شناختی بشر است، برای حل مشکلات و آلام و رنج‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند و در این‌باره می‌گوید: «ما نباید در انتظار خدای تاریخ یا خدای انقلاب باشیم که شرایط بهتری را در امور انسان‌ها پدید آورند. تاریخ و نیز انقلاب، ممکن است به‌آسانی ما را ناکام بگذارند» (پوپر، ۱۳۸۴: ۱۵۶).*

پی‌نوشت‌ها

۱. مطالعه علمی و تطبیقی در مورد انقلاب‌ها به‌طور جدی پس از انقلاب روسیه آغاز شد. از آن زمان نظریه‌های انقلاب سه نسل متفاوت را تجربه کرده‌اند، که هر یک، بر درک ما می‌افزایند: نظریه‌های تاریخ طبیعی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، نظریه‌های عمومی خشونت سیاسی دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ و نظریه‌های ساختاری اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰. با ورود ما به قرن بیست‌ویکم نسل چهارمی از نظریه انقلاب در حال تکوین است (گلدستون، جک، ۱۳۸۵، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر).
۲. می‌توان برای اطلاع بیشتر به این منابع نگاه کرد:
 - آرنت، هانا (۱۳۸۱)، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی؛
 - دوتوکویل، الکسی (۱۳۸۳)، *تحلیل دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛
 - دوتوکویل، الکسی (۱۳۸۸)، *انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مروارید؛
 - Foran, John, and Jeffrey Goodwin (1993), "Revolutionary Outcomes in Iran and Nicaragua", *War, and the Limits of Social Transformation, Theory and Society*, Vol. 22, pp. 49-207;
 - Laqueur, W (1968), "Revolution", *International Encyclopedia Of the Social Sciences*, Vol. 13, p. 502;
 - Walt, Stephen M. (1992), *Revolution and War*, Cornell University Press, Ithaca, NY.
 - مارکس، کارل و انگلس، فریدریش (۱۳۸۵)، *ایدئولوژی آلمانی*، ترجمه تیرداد نیکی، تهران: نشر اختران؛
 - برک، ادموند (۱۳۷۷)، «تأملاتی بر انقلاب کبیر فرانسه»، *سوره*، دوره جدید، ش ۴، ص ۹۹ - ۱۰۶؛
 - Kelley, J., and Klein, H.S (1977), "Revolution and the Rebirth of Inequality", *American Journal of Sociology*, Vol. 83, No. 1, pp. 78-90;
 - Moghadam, Valentine (1997), *Theorizing Revolution*, edited by Jhon Foran,

Lonon: Routledge;

— مور، برینگتن (۱۳۶۹)، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی (نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو)، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛

- Kirchheimer, Otto (1965), "Confining Conditions and Revolutionary Breakthoghs", in *American Political Science Review*, Vol.59, No.4;

- Eckstein, s. (1982), "The Impact of Revolution On Social Welfare in Latin America", *Theory and Society*, Vol.11, pp. 48-94;

- Arjmand, said A (1989), "History, Structure, and Revolution in the shi ite Tradition in Comtemporary Iran", in *International Political Science Review*, Vol.10, No.2;

- Fischer, Michael (1980), "Becoming Mullah: Reflections on Iranian Clerics in a Revolutionary Age", *Iranian Studies*;

- Emirbayer, Mustafa, and Jeff Goodwin (1995), "Symbols, Positions, Objects: Toward a new theory of revolution and Collective Action", *Working Paper*, No. 223. New school for Social Research;

— هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم؛

- Zimmerman, Ekkart (1990), "On the Outcomes of Revolutions: Some Preliminary Considerations", in *Sociological Theory*, Vol.8, No.1;

— کدی، نیکی (۱۳۸۸)، نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس؛
— رایت، رایین (۱۳۸۴)، آخرین انقلاب بزرگ: انقلاب و تحول در ایران، ترجمه احمد تدین، شهین احمدی، تهران: نشر رسا؛

۳. هرچند آرنت در کتاب خود انقلاب فرانسه و امریکا را به‌عنوان شاهد و مورد تجربی مورد مقایسه قرار می‌دهد، اما طرح او بیشتر جنبه نظری و پیشینی دارد تا پسینی و نظر خود را در باب ایجاد دیکتاتوری‌های پس از انقلاب به همه انقلاب‌های پس از انقلاب فرانسه تعمیم می‌دهد.

۴. از آنجا که توکویل چگونگی تأثیر عواملی چون آداب و سنن اجتماعی، احترام به قانون و... را مخصوصاً در کتاب «انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن» در رابطه با پیامدهای انقلاب به‌صورت منسجم طرح نمی‌کند و اساساً به‌صورت گذرا به دستاوردهای انقلاب می‌پردازد، بعضی جامعه‌شناسان نظرات او را در دسته دیدگاه‌های توصیفی طبقه‌بندی می‌کنند (پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ص ۴۵۰).

۵. حاکمیت دوگانه وضعیتی است که در آن در کشور به‌جای یک مرکزیت سیاسی که تمام قدرت نظامی و سیاسی را در دست داشته باشد دو و یا چند مرکز وجود دارد که مستقلاً تصمیم‌گیری می‌کند. به‌نظر بریتون زمانی که میانه‌روها قدرت رسمی را در دست می‌گیرند نیروهای انقلابی رادیکال نیز نهادهای انقلابی که برآمده از فرایند انقلاب هستند را مدیریت

می‌کنند و به صورت غیررسمی اعمال حاکمیت می‌کنند و این‌گونه دوگانگی حاکمیت به وجود می‌آید.

۶. مارکس پیش‌بینی می‌کرد که انقلاب‌های اجتماعی در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند انگلستان و آلمان روی خواهد داد. درحالی‌که در عمل این انقلاب‌ها در کشورهای با اقتصاد کشاورزی مانند چین و روسیه روی داد (شومپتر، جوزف (۱۳۷۵)، کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی، ترجمه حسن منصور، تهران: نشر مرکز). از سوی دیگر تصور مارکس از رسالت تاریخی پرولتاریا در تحول تاریخ امروزه به صورت افسانه درآمده است (کیوسیتو، پیتر (۱۳۷۸)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی: ۴۹). در عوض دیدگاه‌های پوپر که در دهه ۱۹۴۰ و در اوج قدرت حکومت‌های فاشیستی و سوسیالیستی در باب ناکارآمدی حکومت‌های توتالیتر و ناکامی آنها طرح شد، با شکست هیتلر در جنگ جهانی دوم و منقرض شدن او در جهان و همچنین فروپاشی شوروی تمامیت‌خواه در دهه ۱۹۹۰ تحقق یافت و همین امر تأثیرگذاری او را بسیار افزایش داد.

۷. بحث پوپر در باب علل وقوع انقلاب‌ها در کتاب زیر به صورت مبسوط طرح شده است: فولادیان، مجید و فاطمی، زینب (۱۳۸۶)، اندیشه‌های اجتماعی کارل پوپر، مشهد: انتشارات سخن گستر.

۸. همان‌گونه که در این جستار بر آن تأکید شد نظریه سیاسی پوپر با نظریه معرفتی او درباره علم تناسب دارد. لذا فهم دقیق اندیشه پوپر هنگامی میسر می‌شود که آن را در بستر شناخت‌شناسی او درک کنیم. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید چارچوب کلی و اجمالی روش علوم از نظر پوپر به شکل زیر است:

$$p_1 \rightarrow TS_1 \dots \text{ و } TS_n \rightarrow CD \rightarrow p_2$$

مسائل جدید → نقادی و حذف خطا → راه‌حل‌ها → مسائل

بدین معنا که پوپر برعکس «استقراء‌گرایان» که عقیده داشتند علم از مشاهده آغاز می‌شود، بر این عقیده بود که علم از مسائل آغاز می‌شود و به مسائل نیز خاتمه می‌یابد. پوپر این آغاز از مسائل را در نظریات اجتماعی خود بسط می‌دهد. از نظر او تعریف مسئله اجتماعی هرچه باشد برای حل آن دو راه بیشتر وجود ندارد. یکی را می‌توان جزء‌گرایانه یا اصلاحی نامید. این راه در توان شناخت بشری به صورت گام‌به‌گام و با معیار ابطال‌پذیری هست و دیگری را کل‌گرایانه یا یوتوپایی می‌داند. راه‌حل‌های کل‌گرایانه برآنند که حل مسئله اجتماعی وابسته به حل کلیه مسائل اجتماعی در زمانی مفروض است. این راه‌حل از آن جهت اتوپایی است که حل یک مسئله از آن حیث که در گرو حل همه مسائل است به آینده‌ای موکول می‌شود که بنیان جامعه حاضر زیر و زبر شده باشد. او در مقابل مفهوم مهندسی اجتماعی تدریجی را در مقابل مفهوم مهندسی اجتماعی تمامیت‌گرایانه صورت‌بندی می‌کند. مهندسی اجتماعی تدریجی در نظر پوپر دیدگاهی عملی و نقدپذیر است. در مهندسی اجتماعی تدریجی اهداف به صورت جزئی انتخاب می‌شوند و به جای انتخاب هدف‌های اتوپایی، حل مشکلات به صورت قابل بررسی و عینی در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

منابع

- اسکاچپول، تدا (۱۳۷۶)، *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی*، ترجمه مجید روئین‌تن، تهران: انتشارات سروش (انتشارات صدا و سیما).
- آرنت، هانا (۱۳۸۱)، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آرون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، صص ۲۶۳.
- بریتون، کرین (۱۳۶۲)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، *لیبرالیسم و محافظه‌کاری*، تهران: نشر نی، ص ۶۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ص ۱۴۳.
- پایا، علی (۱۳۸۴)، *مقدمه مترجم بر کتاب اسطوره چارچوب*، تهران: انتشارات طرح نو، ص ۷.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ص ۴۲۳.
- پوپر، کارل (۱۳۵۰)، *فقر تاریخی‌گری*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۱۱۱.
- پوپر، کارل (۱۳۶۹)، *جستجوی ناتمام*، ترجمه ایرج علی‌آبادی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ص ۱۳۷.
- پوپر، کارل (۱۳۷۵)، *حکس‌ها و ابطال‌ها*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پوپر، کارل (۱۳۷۶)، *درس این قرن*، ترجمه علی پایا، تهران: نشر طرح نو، ص ۱۳۵.
- پوپر، کارل (۱۳۷۷)، *جامعه باز و دشمنان آن*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۳۲۷.
- پوپر، کارل (۱۳۷۹)، *آزادی و مسئولیت روشنفکر*، ترجمه کوروش زعیم، تهران: انتشارات ایران مهر، صص ۵۴-۵۵.
- پوپر، کارل (۱۳۸۳)، *زندگی سراسر حل مسئله است*، ترجمه شهریار خواجه‌ویان، تهران: نشر مرکز.
- پوپر، کارل (۱۳۸۴)، *اسطوره چارچوب*، ترجمه علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
- پوپر، کارل؛ هربرت مارکوزه (۱۳۸۰)، *انقلاب یا اصلاح*، ترجمه هوزیری، تهران: انتشارات خوارزمی.

- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳)، *تحول انقلابی: بررسی نظری پدیده انقلاب*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- چالمرز، جان اف (۱۳۸۳)، *چیستی علم*، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۶.
- دریبر، هال (۱۳۸۲)، *نظریه انقلاب مارکس*، ترجمه حسن شمس آوری، تهران: نشر مرکز.
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۸۳)، *تحلیل دموکراسی در امریکا*، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دونایفسکایا، رایا (۱۳۸۳)، *فلسفه و انقلاب از هگل تا سارتر و از مارکس تا مائو*، ترجمه حسن مرتضوی و فریدا آفاری، تهران: نشر خجسته.
- روشه‌گی (۱۳۶۶)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- شی یرمر، جرمی (۱۳۷۸)، *اندیشه سیاسی کارل پوپر*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات طرح نو.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، *نظریه پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- فولادیان، مجید و فاطمی، زینب (۱۳۸۶)، *اندیشه‌های اجتماعی کارل پوپر*، مشهد: انتشارات سخن گستر، ص ۱۰.
- فولادیان، مجید؛ زینب فاطمی امین (۱۳۸۸) «خاستگاه فلسفی دولت رفاه پوپر در تقابل نظریات موافقان کلاسیک و مخالفان معاصر»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۲، ص ۲۳.
- گلدستون، جک، (۱۳۸۵)، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- لسناف، مایکل ایچ (۱۳۷۸)، *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات کوچک، ص ۲۸۰.
- مارکس، کارل (۱۳۷۵)، *درباره انقلاب*، مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها از کرامول تا کاسترو، ترجمه محمد عبداللهی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، *مجله پانزده خرداد*، شماره پنجم، ص ۱۵ تا ۷۷.
- مگی، برایان (۱۳۵۹)، *پوپر*، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱، صص ۷۱ تا ۹۰.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱)، *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهما، تهران: نشر روزنه.
- یاروی، ایان (۱۳۸۲)، *جامعه باز پوپر پس از پنجاه سال: تداوم موضوعیت بحث پوپر*، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: نشر مرکز.
- یوسا، ماریوبارگاس، (۱۳۸۲)، «اهمیت کارل پوپر»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، *ماهنامه نگاه نو*، دوره جدید، شماره ۱۲.

Foran, John and Jeeff Goodwin (1993), "Revolutionary Outcomes in Iran and Nicaragua", War, and the Limits of Social Transformation, *Theory and Society*, Vol. 22, pp.49-207.

Jalaeipour, Hamidreza (2006) "Iran's Islamic Revolution: Achivements and Failures", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, Vol. 15, No.3, pp. 207 – 215.

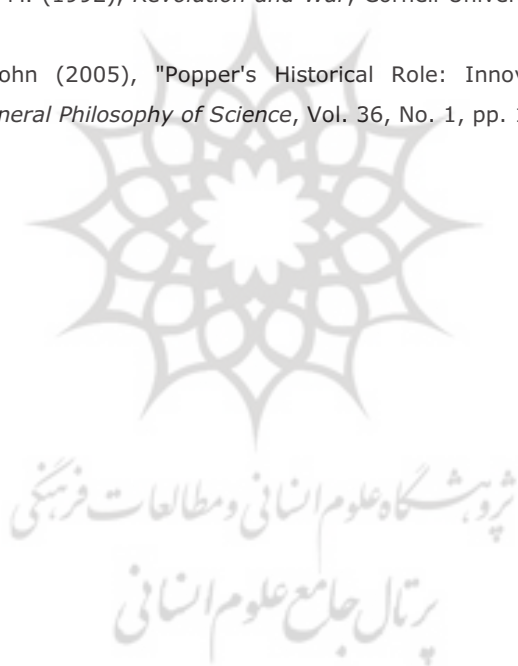
Laqueur, W (1968), "Revolution", *International Encyclopedia Of the Socail Sciences*, Vol. 13, p. 502.

Mardiros, Anthony M. (1975), "Karl Popper as Social Philosopher", *Canadian Journal of Philosophy*, Vol. 5, No. 1 , pp. 157-171.

Regt, Herman C. D. G. (2006), "To Believe in Belief Popper and Van Fraassen on Scientific Realism", *Journal for General Philosophy of Science*, Vol. 37, No. 1, pp. 21-39.

Walt, Stephen M. (1992), *Revolution and War*, Cornell University Press, Ithaca, NY.

Wettersten, John (2005), "Popper's Historical Role: Innovative Dissident", *Journal for General Philosophy of Science*, Vol. 36, No. 1, pp. 119-133





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی